

بررسی و تبیین تربیتی تقوا در سبک زندگی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۷/۱

تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۱۰/۱۰

احمدرضا نصر*

حسین نظری**

علی قاسم‌پور***

ستاره موسوی****

چکیده

در ادبیات دینی ما تقوا جایگاهی بلند دارد. شاید بتوان گفت که در قرآن و سنت و سیره بزرگان دین بر مفهوم تقوا بیش از همه تأکید شده است. هدف این پژوهش، بررسی تربیتی تقوا در عصر انتظار است. روش تحقیق تحلیلی - توصیفی است و محقق به استخراج و تدوین تأثیرات تربیتی تقوا بر اساس آموزه‌های قرآن پرداخته است. در این پژوهش تلاش بر آن بوده است که زوایای پنهان اما مؤثر تقوا ارزیابی شود، و منزلت تقوا، به‌عنوان یک هدف غایی واسطه‌ای ویژه، لحاظ گردد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، تقوی هدفی غایی اما واسطه‌ای است که با سایر اهداف غایی در تعلیم و تربیت اسلامی ارتباط طولی دارد. در آموزه‌های قرآن تقوا از منزلت ویژه‌ای برخوردار است. تقوی اثرات متفاوت و گاه مشترکی در همه ابعاد دنیوی و اخروی داشته و دارد. در پایان نیز راهکارهایی برای داشتن تقوا در عصر انتظار ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تقوا، سبک زندگی، آثار تربیتی

* استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان Email: amnasr[at]edu.ui.ac.ir

** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان و مدرس دانشگاه فرهنگیان

*** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور شهرضا

**** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه پیام نور Email: setarehmousavi@gmail.com

مقدمه

توجه به تربیت دینی و اخلاقی از دیدگاه اسلام، همواره به مثابه اصلی اساسی در سعادت انسان‌ها مورد توجه بوده و هست و به همین دلیل از ابتدای آفرینش بشر، خداوند پیامبرانی را برای هدایت انسان‌ها و برنامه‌ای با عنوان دین اسلام نازل فرموده و در هر عصری پیامبری را مأمور رسالت کرده است که آخرین آنها محمد (ص) و کتاب تربیتی‌اش قرآن نام دارد. عمل به دین محمد (ص) در نهایت رسیدن به سعادت وعده داده شده است (رستمی‌نسب، ۱۳۸۸؛ به نقل از رحمنی، ۱۳۹۱).

اما با همه این پیام‌های الهی و خواسته‌های فطری، رنج‌های بشری نشان می‌دهد که بعضی از انسان‌ها به شکل‌های گوناگون، آسایش را از دیگران سلب می‌کنند. اینان سعادت خود را در گرو بهره‌کشی از ضعیفان می‌دانند و برخلاف خواست دین و فطرت عمل می‌کنند (اسماعیلی، ۱۳۸۰؛ به نقل از ربانی، ۱۳۸۷).

منشأ ناموفق بودن تربیت دینی در عصر دین‌زدگی زندگی مدرن، می‌تواند عوامل متعددی از جمله فهم نادرست دین و عمل نکردن به فرامین و احکام الهی و یا نادرست معرفی کردن آن دانست (رستمی‌نسب، ۱۳۸۸؛ به نقل از رحمنی، ۱۳۹۱). در حالی که آموزه‌های اصیل و ناب دینی و به‌ویژه قرآن به‌وضوح مطرح شده است. قرآن اصیل‌ترین منبع تربیت دینی است و مهم‌ترین مصداق این امر، آیه شریفه‌ای است که در آن خداوند سعادت و تربیت دینی را این‌گونه مطرح می‌کند: «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه: ۲).

در ارزش‌شناسی اسلامی، خداوند خیر بنیادین و نیز بنیاد خیر است، بنابراین هر ارزشی، علاوه بر آنکه به ادراک و اعتبار آدمی مبتنی است، به جایگاه وجودی امور یا نسبت آنها با غایت هستی نیز ناظر است و خداوند معیارهای ارزشی را خود مشخص می‌کند. فعل او معیار و خود معیار آفرین است (باقری، ۱۳۸۹).

در نهایت ارزش‌های مطرح شده اسلامی می‌توانند براساس نظامی از ارزش‌ها تعبیر شوند که به شرح زیر است: «ترکیبی منظم از مجموعه اعتقادات و روش‌های رفتاری برتر که وجودشان پیوسته با اهمیت و همواره بدانها عمل می‌شود» (کیلانی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۷؛ به نقل



از موسوی و لیاقتدار، ۱۳۹۱).

بنابراین، ارزش‌ها می‌توانند تعیین‌کننده هدف باشند و اهداف نیز می‌توانند روش‌ها را مشخص کنند و روش‌ها در حوزه عمل قابل تحقق هستند، پس نظام‌های تربیتی نیز خواهند توانست ارزش‌ها را عملی و تحقق هدف اصیل تعلیم و تربیت را میسر کنند (کیلانی، ۱۳۸۹؛ به نقل از موسوی و لیاقتدار، ۱۳۹۱).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارزش در قرآن کریم تقواست. تقوا لازمه زندگی هر فردی است که می‌خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی کند و از اصول معینی پیروی نماید (مطهری، ۱۳۶۷). تقوا پیشگیری از انحراف از راه درست و نیز پیشگیری از خطا کردن است و نیز ترس از خدا، دوری از گناه و قصد قربت در آن ترس و این دوری است (جوادی آملی، ۱۳۷۳). واقعیت این است که در پیکره اخلاق اسلامی واژه‌ای به جامعیت «تقوا» نداریم. در این واژه تمام مضامین بلند اخلاقی جمع است. پیامبر (ص) در وصیت به ابوذر فرمود: «علیک بتقوا الله فانه رأس الامر کله» (بهب بلاغه، حکمت ۴۱۰). بر تو باد به تقوای الهی که رأس همه امور است. بر این اساس است که خطبای جمعه موظفند در هر دو خطبه مردم را دعوت به تقوا کنند؛ در خطبه اول «علی الاقوی» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۷۰: ۲۸۹). در خطبه دوم علی الاحوط».

تقوا در نگاه اهل بیت (ع) بندگی خدا و نگهداشتن حریم برای حضرت حق است. از امام صادق (ع) سؤال شد تقوا چیست حضرت فرمود: «ان لا یفقدک الله حیث امرک ولا یراک حیث نهاک» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۲۰). امام علی (ع) فرمود: «التقوا اجتناب» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۷۰: ۲۸۵). یعنی تقوا اجتناب از گناه است (غررالحکم، کلمه تقوا). همچنین فرمود: «من ملک شهوته کان تقیا» (همان). آن کس که شهوت خود را مالک شود متقی است. یعنی آن کس که عنان نفس را به دست عقل سپرده و اسیر شهوات نفسانی گناه‌آلود نشود باتقواست. تقوا به‌عنوان یک مؤلفه ارزشی، می‌تواند مسیر رسیدن به هدف تربیت اسلامی (قرب الهی) را هموار سازد و به نیکو ساختن زندگی با ارزش‌های اسلامی کمک کند و انسانیت واقعی بشر را در عصر فروریختن مبانی ارزش‌ها و زیرساخت‌های اخلاق، به ظهور گذارد. در جهان معاصر، اخلاق، هویت و وضع روحی و روانی انسان را با چالش‌های بنیان افکن روبه‌رو ساخته است و او را به سمت ارزش‌های ناشناخته کشانده است که جز گمراهی آشکار چیز دیگری نیست (تولیت، ۱۳۹۰؛ به نقل از رحمنی، ۱۳۹۱). رویارویی با چنین



بحران‌هایی به شالوده‌های بسیار عمیق و دقیق نظری و معرفتی وابسته است به گونه‌ای که براساس آن می‌توان مواضع و راهکارهایی منطقی و مناسب درپیش گرفت. در ارتباط با تحقیقات انجام شده در حیطه تربیت دینی و تقوا به موارد ذیل اشاره می‌شود.

تحقیقات پیشین

رستمی نسب (۱۳۸۸) در پژوهشی مبانی تربیت دینی را شامل الف) دین، ب) فطرت، ج) پیامبران الهی و در توضیح این سه عامل دین را ادای فرائض و نوافلی می‌داند که زمینه‌رستگاری را فراهم می‌کند و به وسیله پیامبران ابلاغ می‌شود و فطرت انسان نیز تمام معارف الهی را دربرمی‌گیرد.

تحقیق نصیری و حسینی (۱۳۹۲) حاکی از این است که از منظر معصومان (ع)، اخلاق فردی و حرفه‌ای، سلامت سازمان را ارتقا می‌بخشد. در اخلاق فردی به ایمان، تقوا و اطاعت از فرامین الهی، اخلاص، خداترسی، توکل و توسل اشاره شده است. در اخلاق حرفه‌ای، به نظم مدیران، برقراری عدالت از سوی مدیران، انتقادپذیر بودن مدیران، عدم احتجاج، صداقت، نرمش و خشونت به جای مدیران، رفاه و تأمین کامل کارمندان، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری مدیران و کارمندان، فرمانبرداری از مسئول مافوق و مدارا با همکاران اشاره شده است.

شمالی و مؤمنی (۱۳۹۲) در پژوهشی با مقایسه و جمع‌بندی داده‌های به‌دست آمده از مطالعه منابع اسلامی و غربی درباره مبانی و تئوری‌های اخلاقی پایه، براساس دیدگاه غربی، چهار اصل اخلاقی «سودرسانی»، «ضرر نرساندن»، «خودمختاری» و «عدالت» را به‌دست می‌آورند که در تصمیم‌گیری‌های پزشکی، ملاک عمل قرار می‌گیرد. براساس دیدگاه اسلامی، هشت اصل اخلاقی «توکل»، «تقوا»، «تکریم و کرامت بیماران»، «جلب منفعت»، «دفع ضرر محتمل»، «اختیار»، «عدالت» و «احسان»، حاصل می‌شود که برخی از این اصول، تأثیرگذار در تصمیم‌گیری و برخی ملاک هرگونه اقدام پزشکی است. بین اصول اخلاق پزشکی از دیدگاه اسلامی و غیر اسلامی (غربی) از نظر «مبنا» و «از نظر محتوا» تفاوت اساسی وجود دارد.

پژوهش فتحی (۱۳۹۲) نشان داد تعقل، تعبدی و تقلیدی عمل نکردن از عوامل اساسی مفهوم آزاداندیشی است. عوامل زمینه‌ساز آزاداندیشی دینی را می‌توان در عوامل



بیرونی از قبیل بنیان‌های منطقی دینی و نبود حاکمیت مستبدانه جستجو کرد و یا در درون انسان عواملی از قبیل تربیت ربانی، تقوا و زهدورزی را پرورش داد. متناسب با عواملی که بیان می‌شود، روش‌های پرورش آزاداندیشی دینی را نیز می‌توان به دو دسته «برون تربیتی» از قبیل جدال احسن، تذکر، رفق و مدارا در تبیین مسائل دینی، تسامح دینی، هدایت افکار و «خود تربیتی» از قبیل جستجوگری، برخوردی استدلالی با جهان، تزکیه نفس، عادت به تفکر تقسیم کرد.

الوانی، معمارزاده و کاظمی (۱۳۹۲) نشان دادند در دهه اخیر، با ورود معنویت به تحقیقات سازمان و مدیریت، رهبری معنوی نیز توجه زیادی را به خود جلب کرده است. داده‌های تجربی مؤلفه‌های رهبر معنوی و اثربخشی رهبری، که از دستگاه‌های دولتی جمع‌آوری و تحلیل شد، نشان می‌دهد که ویژگی‌های خودآگاهی، انسان دوستی، تقوا، هوش معنوی و توانمندسازی کارکنان و همچنین، وجود سطوح پایین‌تری از ویژگی‌های آرمان‌سازی، مدل‌سازی نقش و رفتار منصفانه می‌تواند اثربخشی رهبری را ارتقا دهد. مشارکت دهی شهروندان، تنها در برخی وضعیت‌ها سازوکار مناسبی برای ارتقای اثربخشی رهبری است.

سام آرام، هزار جریبی، فداکار، کرمانی و شمسایی (۱۳۹۲) در تحقیقی مجموع نظرات مربوط به معنویت را در دو رویکرد کلی جمع‌بندی کرده‌اند؛ الف) معنویت به‌عنوان مفهوم عام معنایابی، ب) معنویت به‌عنوان به هم پیوستگی با خدا/ الوهیت. هیچ‌یک از رویکردهای غربی قبول ندارند که انسان‌ها قرار است خلیفه خداوند روی زمین باشند. پژوهش کیفی حاضر و با رویکردی علمی - دینی، مؤلفه‌های توکل و حسن ظن به خدا، ایمان و توجه به رضایت الهی، انگیزه و نیت خالص، شکرگزاری، تواضع و فروتنی، صبر، تقوا، عدالت، نماز، ذکر خدا، توبه، تفکر و تعقل، تفکر، شناخت نفس و اعتقاد درست به زندگی پس از مرگ را به‌عنوان برخی از مؤلفه‌های سلامت معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام به‌دست آورد. ضروری است نظام سلامت کشور برای ارتقای سلامت در سیاست‌های خود نهادینه‌سازی این مؤلفه‌ها را مدنظر قرار دهند.

شریفی و لطفی (۱۳۹۲) نشان دادند سبک زندگی خانوادگی در آیین اسلام همانند درختی است که ریشه آن، باورها و اندیشه‌ها و ساقه و شاخه‌هایش، ارکان و وظایف اعضای خانواده است. از این‌رو، سبک زندگی خانوادگی ابعاد زیادی دارد. از منظر قرآن



کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع)، باورها و اعتقادات نقشی اساسی در خانواده دارند و ازدواج امر مقدسی است و همگان را به این امر فراخوانده شده‌اند. معیارهای تقوا، عقل، اخلاق نیک و همتایی در انتخاب همسر را مورد توجه قرار گرفته است؛ مدیریت خانواده به مرد سپرده شده و لزوم مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر به خصوص مسئولیت تربیت دینی پدر نسبت به فرزندان و همکاری زن و شوهر در خانه را ضروری دانسته شده است.

عبداللهی عابد و وجد (۱۳۹۲) تقوا را به‌عنوان یکی از ابزارهای جنگ مطرح کرده‌اند. از دید ایشان جنگ نرم از جمله مباحثی است که قرآن کریم در آیات مختلف بدان پرداخته است. طراحان جنگ نرم با سرمایه‌گذاری بر افکار و اندیشه‌ها، آسان‌تر و با شتاب بیشتر به اهداف دست می‌یابند. ضمن اینکه این روش، هزینه‌های جنگ سخت را ندارد و چهره خشن متجاوزان، در قالب دوستی و خیرخواهی، در پس پردهٔ حجاب قرار می‌گیرد. قرآن کریم جلوه‌های گوناگون جنگ نرم را از طریق داستان‌های انبیا و رخداد‌های عصر پیامبر اکرم بیان کرده است. از جملهٔ این روش‌ها می‌توان به استهزا و تحقیر مظاهر دینی در قالب شوخی، تفرقه‌افکنی به نام استقلال‌طلبی، پخش شایعات به نام روشنگری و تضعیف رهبری با تهمت زدن و تحقیر نمودن اشاره نمود. تمسک به تعالیم دینی و اطاعت از رهبران آسمانی، بصیرت، صبر و تقوا، راهکارهای قرآنی مقابله با نبرد روانی دشمن است. حسن‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهش خود به تحلیل و بررسی تعالیم دینی و عمل با اخلاص به آنها پرداخته و آن را یگانه عامل در درمان بیماری‌های اخلاقی و روانی معرفی کرده و راهکارهایی را مطرح کرده است و هدف تعلیم و تربیت اسلامی را ساختن افراد اسلامی دانسته است. وی در ادامه به معرفی الگوی کامل در دین مبین اسلام و به‌ویژه پیامبر اکرم پرداخته است.

مصباحی مقدم، رعایایی و همتیان (۱۳۹۰) نشان دادند در اقتصاد سکولار از عوامل رشد اقتصادی مانند آموزش نیروی انسانی و انباشت مهارت‌ها، ایجاد و توسعهٔ سرمایه فیزیکی، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و نرخ بالای بهره‌وری و نیز سرمایهٔ اجتماعی یاد شده است. اما هنوز کشورهای زیادی هستند که با داشتن همین عوامل در دست یافتن به رشد همه‌جانبه با مشکلات اساسی دست‌به‌گریبان هستند و در تاریخ نیز ملت‌هایی بوده‌اند که با در اختیار داشتن همه عوامل مادی رشد و پیشرفت، دچار



عقب‌گرد و شکست شده‌اند. از منظر قرآن کریم، خداوند، برای اداره جهان دو سازوکار در اختیار دارد، سازوکار جهان مادی و مشهود و سازوکار جهان غیب و غیر مادی و این دو سازوکار روی هم تأثیر می‌گذارند. آنچه بشر از راه کشف علمی به آن دست می‌یابد سازوکار جهان مادی و محسوس است، اما سازوکار جهان غیب از طریق وحی به انسان می‌رسد. مؤلفه‌های غیر مادی رشد اقتصادی از گروه دوم هستند که باید با استفاده از وحی الهی بدان دست یافت. در این مقاله درصدد طرح آثار مؤلفه‌هایی از قبیل ایمان و تقوا، شکر، اقامه حدود و احکام الهی، استغفار و توبه و استقامت در راه حق بر روی رشد اقتصادی هستیم.

داودی (۱۳۸۹) سه تعریف کلی متناسب با فرهنگ اسلامی را ارائه می‌کند. الف) تعریف تربیت دینی رسمی و برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند برای آموزش آموزه‌های فردی و اجتماعی دین اسلام. ب) تربیت دینی اعم از رسمی و غیر رسمی ج) تربیت دینی برگرفته از متون دینی و اقدامات و دستورالعمل‌های برگرفته از متون اسلامی.

بهشتی (۱۳۸۷) در پژوهشی دو روش در پرداخت تربیت دینی را که شامل روش درون‌دینی و برون‌دینی است، مطرح می‌کند. رویکرد برون‌دینی مجموعه‌ای از تحلیل‌های عقلانی و نظری در باب تربیت دینی است، اما روش درون‌دینی تحلیل در چارچوب آموزه‌های دینی بوده و اصول تربیت دینی را مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و وجودشناختی و وحدت حقیقی اجزای هستی در تربیت دینی شرح داده است.

کشاوری (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی» در ضمن توجه به آسیب‌های تربیت دینی در حوزه آموزشی و آموزشگاهی، با معرفی برخی از شاخص‌های تربیت دینی سعی بر ارائه راه‌حل برای کم‌کردن آسیب‌های آن دارد. این شاخص‌ها شامل شاخص‌های معرفتی، تفکر و بصیرت، توجه به کرامت و حریت انسانی، محبت و اعتدال است (به نقل از داودی، ۱۳۸۹).

حسینی (۱۳۸۴) در تحقیقی به‌منظور بررسی آثار تربیتی تقوا به مراتبی چون عام، خاص و اخص برای تقوا و موضوعاتی از قبیل نگرش به آینده، توجه به علم و آگاهی خداوند نسبت به اعمال و رفتار انسان، پی‌بردن به اینکه تقوا برای دنیا نیز فایده دارد، افزایش معرفت به خدا، خودشناسی، تفکر، تدبیر در قرآن، تدبیر در گفتار و رفتار معصومان، دعا، عبادت خداوند، روزه، اطاعت از خدا، محاسبه برای دستیابی به تقوا،

شیطان، دنیاپرستی، پرگویی، خصومت و طمع پرداخته شده است. از این رو تحقیق حاضر به بررسی تربیتی مفهوم تقوا، ارزش و جایگاه تقوا در سبک زندگی، پیامدهای تربیتی آن در سبک زندگی می‌پردازد.

روش‌شناسی تحقیق

روش به‌کار برده شده در این تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی است. توصیفی از این نظر که در استخراج روش‌ها از روش استنباط استفاده می‌شود. استنباط در تحقیقات علوم اسلامی به‌عنوان استخراج حکم شرعی در خصوص موضوعات از ادله شرعی به‌ویژه قرآن و احادیث شناخته می‌شود. استنباط در تحقیقات تربیتی به معنای استخراج حکم تربیتی در زمینه موضوعات معین با استفاده از آرای نظریه‌پردازان در زمینه‌های مختلف فلسفی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی است. این روش به‌منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام‌دار انجام می‌شود. در واقع قلمرو این تحقیق را متن‌های مکتوب، شفاهی و تصویری درباره موضوعی خاص تشکیل می‌دهد.

مفهوم‌شناسی تقوا

چنان‌که می‌دانیم، تقوا به معنای پاکدامنی و پارسایی است. تقوا یعنی پیروی از خداوند و رعایت حلال و حرام، واجب و مستحب و مقابله با خواسته‌های نفسانی و شیطانی در راستای آنچه خالق هستی از انسان خواسته است. بی‌تردید برای درک بهتر ناچاریم تا تقوا را تحدید و تعریف کنیم و گرنه درک عمیق مفهوم تقوا نیازمند فهم بسیاری از ابعاد آن است. براساس آموزه‌های قرآن کریم، تقوا یعنی ایمان به غیب، به پا داشتن نماز، انفاق، ایمان به انبیای الهی و به ویژه رسول (ص) و یقین به آخرت (بقره: ۵-۲). تقوا با کار نیک همراه است و نیکی آن است که پارسایی پیشه کنیم. در هر کاری از مسیر اصلی قانونی و شرعی آن وارد بشویم نه از راه خلاف و گناه و جرم (همان: ۱۸۹). نیکی مترادف تقوا آن است ایمان به خدا و آخرت، فرشتگان و کتاب‌های الهی و پیامبران پیشین داشته باشیم و به‌رغم علاقه به مال و ثروت، آن را برای خویشاوندان و یتیمان، مسکینان و در راه‌ماندگان و سائلان و بردگان بخواهیم، یعنی به محرومان و مستضعفان انفاق کنیم. افزون‌بر برپایی نماز، زکات دهیم، به عهد خود وفادار باشیم، در

برابر سختی‌ها و هنگامه نبرد، استقامت به خرج دهیم (همان: ۱۷۷).

با توجه به این ویژگی‌هاست که خداوند از صاحبان عقل می‌خواهد تقوا پیشه کنند (همان: ۱۹۷). اگر تقوا در کنار صبر قرار گیرد، کید دشمن نمی‌تواند به افراد مؤمن آسیب برساند و امدادهای الهی برای انسان‌ها نازل می‌شود (آل عمران: ۱۲۰ و ۱۲۵). تقوا یعنی انفاق در توانگری و تنگدستی، کنترل خشم، عفو مردم. تقوا یعنی اگر خدای ناکرده عمل زشتی مرتکب شدیم یا به خود ستم کردیم، از خدا غافل نشویم بلکه با یاد خدا و طلب استغفار برای گناهان، خود را پاک کنیم و بر گناه اصرار نروریم (همان: ۱۳۴ و ۱۳۵).

«وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ» (اعراف: ۲۶) اگر لباس تقوا بر تن کنیم، اول اینکه «خدا با ماست» «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا» (نحل: ۱۲۸)، دوم اینکه اهل نجات خواهیم بود «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا» (مریم: ۷۲) و عاقبت از آن ماست «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)، «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ» (طه: ۱۳۲)، سوم اینکه خداوند نوری در اختیار ما قرار می‌دهد که مسیر حق را پیماییم «وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ» (حدید: ۲۸)، چهارم اینکه راه بیرون رفت از مشکلات و راه نجات را پیدا می‌کنیم «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» و کارها بر ما آسان می‌شود «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق: ۲ و ۴). پنجم اینکه صاحب فرقان یعنی جداکننده حق از باطل می‌شویم «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹) و ده‌ها و شاید صدها و هزاران خیر دیگر که از تقوا نصیب پرهیزگاران می‌شود. خلاصه سخن آنکه اگر بخواهیم بدانیم پرهیزگار هستیم یا نه باید براساس معیارهای قرآنی خود را بسنجیم.

در قرآن کریم ۲۱ آیه وجود دارد که کلمه تقوا به صورت‌های مختلف و صیغه‌های گوناگون، در آنها به کار رفته است و همه آنها در یکی از چهار معنای زیر به کار است:

۱. خشیت (ترس)، چنان‌که در سوره حج آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُم؛ أَيُّ كَسَانِي كَإِيمَانِ أَوْرَدَهُ، أَيُّ خَدَا بَتْرَسِيدٍ» و در سوره شعراء: «إِذ قَالَ لَهُم أَخُوهُمْ نُوحٌ الْإِتْقَانُ؛ بَه يَادْ أَوْرِيدِ زَمَانِي كَه نُوحِ خَطَابِ بَه قَوْمِ خُودِ كَفْتِ أَيَّا زِ خُدَا نَمِي تْرَسِيدٍ» و...؛ ۲. به معنای عبادت و بندگی چنان‌که در سوره نحل وارد است: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ؛ مَعْبُودِي جِزْمِنْ نِيَسْتِ پَسِ مَرَا بَپْرَسْتِيدٍ.» و در سوره شعراء: «... قَوْمِ فَرْعُونَ الْإِتْقَانُ؛ أَيَّا قَوْمِ فَرْعُونَ خُدَا رَا عِبَادَتِ نَمِي كَنْدند؟» ۳. عدم عصیان چنان‌که در سوره بقره آمده است: «... وَادْخُلُوا الْبَيْوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ؛ بَه مَنْزَلِهَا زِ طَرِيقِ دَرْهَائِ آنْ وَارِدِ شُويِدْ وَ زِ اطَاعَتِ خُدَا سِرْپِيچِي وَ عَصِيَانِ نَكْنِيد» ۴. یکتا داشتن خدا و اخلاص در عمل





چنان که در سوره نساء می‌فرماید: «اتقوا الله؛ خدا را یکی قرار دهید» و در سوره حجرات وارد است: «او تلك الذين افتحن الله قلوبهم للتقوى؛ آنان کسانی هستند که خداوند دل‌های آنان را برای توحید و اخلاص و یکتاگرایی قرار داده است» و در سوره حج می‌فرماید: «... فانها من تقوى القلوب؛ در این اعمال و شعائر اسلامی همانا از اخلاص دلها ناشی شده است» (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۴۹۴).

اتقاء به معنای پرهیز کردن و ترسیدن خویشتن را به شدت از چیز زیان‌آور حفظ کردن و نگهداشتن آمده است مثلاً راغب اصفهانی در «المفردات فی غریب القرآن» صفحه ۵۳۰ در ماده «وقی» می‌نویسد: «الوقایه حفظ الشيء مما یوزیه ویضره» وقایه حفظ شی است از چیزهایی که او را از زیان حفظ می‌کند و تقوی نیز از این ماده آمده است و معنای تقوی «جعل النفس فی وقائه مما یخاف» یعنی انسان نفس خود را از چیزهایی که از آن می‌ترسد حفظ کند. از مطالعه قرآن و کتب لغت و اخبار وارده در این باب به خوبی درمی‌یابیم که تقوا حالت نفسانی و نوعی حالت بازدارندگی و عملی است اختیاری و عوامل مختلفی از قبیل اراده و تصمیم و ملاحظه مصالح دنیوی و اخروی و ایمان به خدا و معرفت به او را در انسان پدید می‌آورد و از آنجا که خداوند در برخی از آیات امر به تقوی می‌کند و در موارد متعددی از آیات انسان را به تشخیص عقل احالی می‌کند؛ چنان که می‌فرماید: «الا تتقون؟ آیا شایسته نیست تقوا را پیشه خود سازید؟»؛ به خوبی استفاده می‌شود که تقوا عملی ارادی و اختیاری است و در خمیر مایه هر انسانی، میل به تقوا و عمل صالح و صالح بودن از بدو خلقت قرار داده شده است؛ چنان که در سوره شمس می‌فرماید: «فאלهمها فجورها و تقواها. خداوند به تقوای نفوس بشرها و طریق پیروی از فجور و بدی‌ها و تقوا و نیکی‌ها یعنی به راه بد افتادن و یا به طریق رشد افتادن را الهام کرده و آن را در ذات هر انسانی به ودیعه نهاده است» (غروی، ۱۳۷۹).

ارزش و جایگاه تقوا در سبک زندگی

اگر کسی بخواهد تقوا را ارزیابی کند، می‌تواند ارزش آن را از حالات متقین و از لابه‌لای ثمرات آن به‌دست آورد، ولی برای اینکه به تنهایی ارزیابی شود به چند آیه و روایت اشاره می‌کنیم تا بیشتر به ارزش و اهمیت آن پی برده شود. پروردگار فرموده: «به‌راستی گرامی‌ترین شما در نزد خدا، باتقواترین شماست» (حجرات: ۱۳). خداوند کمال



نفس را به تقوا و فضیلت و ارزش اشخاص را در آن قرار داده است و در سوره‌ای دیگر فرموده: «توشه بگیرید که بهترین توشه، تقواست» (بقره: ۱۹۷).

همچنین خداوند به کسی که تقوا داشته باشد، از راهی که به حساب نمی‌آورد، روزی می‌دهد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ و هر کس خداترس شود، خدا راه بیرون شدن را بر او می‌گشاید و از جایی که گمان نبرد، به او روزی عطا کند» (طلاق: ۲ و ۳). هدایت قرآن نصیب افراد با تقوا می‌شود: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ این کتاب بی هیچ شک، راهنمای پرهیزکاران است» (بقره: ۲). کسانی که تقوا ورزند، خدا درهای برکات آسمان و زمین را بر آنان باز می‌کند.

الف. آثار اخروی: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّتٍ وَعَنِيمٍ؛ متقیان هم امروز در باغ‌های بهشت بر نعمت‌اند» (طور: ۱۷). «فَأَنَّ خَيْرَ النَّزَادِ التَّقْوَى؛ بهترین توشه این راه تقواست» (بقره: ۱۹۷). «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ خدا قربانی متقیان را خواهد پذیرفت» (مائده: ۲۷). «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمَ لَهُ أَجْرًا؛ و هر که از خدا بترسد، خدا گناهانش را ببوشاند و او را پاداش بزرگ عطا کند» (طلاق: ۵). «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثْيًا؛ پس از ورود همه در دوزخ، ما افرادی را که خدا ترس و با تقوا بوده‌اند، از جهنم نجات خواهیم داد و ستمکاران را فروگذاریم تا در آن آتش به زانو درافتند» (مریم: ۷۲).

ب. آثار مستمر: خوشبخت کسانی هستند که اطاعت خدا و رسول نمایند و از خدا ترسیده، تقوا پیشه کنند: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ و هر کس فرمان خدا و رسول را اطاعت کند و خدا ترس و پرهیزکار باشد، چنین کسانی را پیروزی و سعادت خواهد بود» (نور: ۵۲). «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَّكُمْ؛ بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین مردمند» (حجرات: ۱۳). «فَأَنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ خداوند پرهیزکاران را دوست دارد» (آل عمران: ۷۶). «إِنَّ أَوْلِيَاءُؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ؛ تنها متقین دوستان خدا هستند» (انفال: ۳). «وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ خدا همواره با متقین است» (توبه: ۳۶).

مؤلفه‌های تسهیل‌کننده تقوا

۱. احساس اینکه انسان‌ها خالقی دارند و باید او را پرستش کرد حالتی در انسان ایجاد می‌کند که منتهی به تقوا می‌شود چنان‌که می‌فرماید: «ای مردم پرستش کنید خدای خود را که شما و نسل‌های قبل از شما را آفریده است شاید بدین وسیله تقوا پیدا



کنید» (بقره: ۲۱).

۲. عمل به قوانین اسلامی باعث پیدایش تقواست چنان که در قرآن مجید می‌فرماید: «آنچه (از قوانین و اوامر در قرآن مجید) به شما دادیم یا کمال قدرت و قوت بگیرید و دقیقاً آن را عمل کنید و آنچه را که قرآن متضمن او است یادآور باشید و از آنها غفلت نکنید تا شاید حالت تقوا در شما پدید آید» (ال عمران: ۶۳).

۳. اجرای حدود الهی و قوانین جزائی و عمل به قانون «قصاص» در اسلام نمایانگر پیدایش تقوای اجتماعی در جامعه‌های اسلامی است چنان که می‌فرماید: «ای صاحبان خرد، حیات و زندگی جامعه اسلامی با قصاص و مجازات مجرمان تأمین می‌شود آن را عملی سازید» زیرا مسلم است مصونیت جامعه از فساد و هرج و مرج وقتی حاصل می‌شود که فرد فرد جامعه به صورت عیان حس کنند که این قبیل اعمال ناشایست که مستقیماً آسایش و راحتی افراد جامعه را مورد مخاطره قرار می‌دهد مورد مجازات واقع و در نتیجه، تقوای اجتماعی تثبیت می‌شود (حقانی زنجانی، ۱۳۷۹؛ به نقل از حقیقت و مزیدی، ۱۳۸۷). (در منابع نیامده)

۴. عمل به قوانین «صیام» در اسلام موجب پیدایش تقواست زیرا طبیعی است عمل کسی که به دستور خدا با وجود مشقت فوق‌العاده آن عمل کند و گرسنگی و تشنگی را خصوصاً در مناطق گرم و جلو آفتاب سوزان، بر خود هموار نماید، حکایت از اطاعت محض از فرمان خدا می‌کند و تقوا را به درستی تفسیر می‌نماید: «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون. بر شما مسلمانان روزه گرفتن واجب است چنان که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب بود تا شاید تقوا تحصیل کنید» (بقره: ۱۸۳).

۵. احساس این مسئله که خدایی هست و جز او خالق و وجود ندارد، انسان‌ها را به تقوا می‌رساند پس باید این احساس عالی را در سطح اندیشه خویش به وجود آوریم چنان که خدا از قول پیامبران گذشته از قبیل هود و صالح و نوح و لوط و شعیب و الیاس و سایر انبیا نقل می‌کند که همه آنان؛ افکار امت خویش را به یگانگی خداوند توجه می‌دادند و آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت می‌کردند. قرآن مجید از قول حضرت هود چنین نقل می‌کند: «ما فرستادیم هود را به قوم عاد و او به قوم خود گفت: ای قوم خدای خود را بپرستید و جز خدای یگانه موجودی نیست آیا شما تقوا را پیشه می‌سازید» (اعراف: ۶۵). یعنی اگر درک شود جز خدایی مدبر و مدیر و خالق وجود ندارد و



شما به وحدانیت خدا قائل باشید قهراً حالت تقوا در شما پیدا می‌شود و فرمان‌های الهی اجرا می‌شود. نظیر همین کلام از زبان سایر پیامبران در سوره‌های ۲۶ آیه ۱۰۵ و ۱۲۴ و ۱۶۱، سوره ۳۷ آیه ۱۲۴ و سوره ۲۳ آیه ۳۲ و ۲۳ و... وارد شده است.

۶. تدبیر در اینکه چه موجودی سفره عظیم گیتی را برای تمام موجودات به خصوص انسان‌ها گسترده است که از آنها بهره‌مند می‌گردند و انواع نعمت‌ها را به موجودات داده است و آنها را از عدم به وجود آورده است. آیا این تدبیر کافی نیست که حالت تقوا را در انسان ایجاد کند چنان که خداوند در سوره یونس می‌فرماید: «قل من يرزقكم من السما و الارض امن يملك السمع و الابصار و من يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي و من يدبر الامر فسيقولون الله فقل افلا يتقون. بگو (ای پیامبر) اگر از آنها سؤال کنید چه کسی به شما از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ و کیست مالک شنوایی و بینایی؟ و کیست آنکه زندگی و حیات را (در بهاران) در درختان خشک و پژمرده پدید می‌آورد؟ و مرگ و پژمردگی را (در فصل پاییز و زمستان) از حیات و نشاط به وجود می‌آورد؟ و کیست آنکه چنین تدبیر می‌کند؟ حتماً پاسخ می‌دهند که آن (الله) می‌باشد پس در این صورت چرا تقوا را پیشه نمی‌سازید؟» (یونس: ۳۱).

۷. خداوند علاوه بر جنبه خالقیت بر تمام موجودات، جنبه ربوبیت نیز دارد، به این ترتیب که اعضا و جوارح و سایر قوای داخلی و خارجی را که نیاز مبرم هر موجود زنده‌ای است در او قرار می‌دهد و موجود را به سوی آن هدایت می‌کند. مطالعه این جنبه در موجودات و بررسی اینکه پرورش‌دهنده و پروردگار موجودات کیست مسلماً ما را به ایجاد تقوا در برابر فرامینش راهنمایی می‌کند؛ چنان که در سوره مؤمنون می‌فرماید: «قل من رب السموات السبع و رب العرش العظيم سيقولون لله قل افلا تتقون. بگو (ای پیامبر) پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و پروردگار عرش بزرگ خدا کیست؟ به‌زودی می‌گویند مال خداست بگو پس آیا تقوا پیشه نمی‌سازید؟» (مؤمنون: ۸۶).

۸. به موجب آیه شریفه «فكيف تتقون ان كفرتم يوم يجعل الوالدان. چگونه تقوا را پیشه می‌سازید اگر شما منکر روز رستاخیز باشید که در اثر شدت و فشار و سختی، اطفال را به صورت پیران درآورد» حالت تقوا و اطاعت از خدا و ترس از گناه و آلودگی با حالت کفر سازگار نیست. نتیجه اینکه حالت تقوا در صورتی در انسان پیدا می‌شود که انسان عقیده به معاد و روز رستاخیز داشته باشد و با ملاحظه حساب و کتاب و مجازات و



رسیدگی به کیفر اعمال، خود را از گناه و آلودگی (که هر انسانی مطابق غریزه به آنها متمایل است) نگاه دارد.

۹. مسلم بودن این پدیده از نظر تاریخی که فردی از جنس بشر در دورانی از تاریخ پیدا می‌شود که رسول بوده و به تنهایی می‌تواند سبب عقیده به مبدأ و باعث پیدایش تقوا نسبت به او باشد. چنان‌که خداوند در قرآن کریم فرمود: «... او عجبتم ان جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم لینذرکم ولتتقوا ولعلکم ترحمون. آیا تعجب می‌کنید از اینکه قرآنی از طرف خداوند بر مردی نازل شود که از جنس خود شما است تا بترساند و در نتیجه شما تقوا پیدا کنید تا شاید مورد رحمت قرار گیرید؟» (اعراف: ۶۳). مطالعه آثار خلقت و بررسی اسرار موجودات می‌تواند سبب توجه به آفریدگار حکیم گردد و در نتیجه انگیزه طبیعی پیدایش حالت تقوا در روح انسان‌ها شود (حقانی زنجانی، ۱۳۷۹؛ به نقل از حقیقت ومزیدی، ۱۳۸۷).

جایگاه تقوا در تعلیم و تربیت اسلامی

انسان خداجو از غضب و ناخرسندی یار بر حذر است، همواره چشم دل نگران می‌دارد تا در برابر مسائل گوناگون، عملی غیر خواست پروردگار از او سر نزد و در این مسیر، مراقب اعمال خویش است. کارهایی که رضای الهی در آن نیست، به انحراف آدمی از جاده فطرت توحیدی انسان می‌انجامد و در مقابل، هر آنچه انسان را به محضر ربوبی نزدیک می‌سازد، همانا در فطرت پاک و روح روشن او ریشه دارد. از این رو، در آموزه‌های اسلام به این مسئله بسیار توجه شده است که انسان در همه لحظه‌های عمر باید مراقب احوال خود باشد، نفس را از خطر افتادن در مهلکه‌های انحراف و گناه و گمراهی نگه دارد و این «خودنگهداری» و مراقبه نفس همان تقوای الهی است. شهید مطهری تقوا را محور تهذیب نفس می‌داند و مرکب چموش نفس را تنها در دست تقوا پیشگان، رام و راهوار معرفی می‌کند. ایشان در این باره می‌فرماید: «اساس تربیت دینی، همین است که انسان، خود بر خود مسلط باشد. مگر می‌شود چنین چیزی خودش بر خودش مسلط باشد؟ در واقع، تقوا تسلط بر ناخودی است که انسان آن «ناخود» را خود می‌داند... اگر انسان بتواند بر نفس خودش در آن حد مسلط باشد که بر جبن خودش هم مسلط باشد، بر بخل و حسد و خشم و طمع و آز و حرص خودش مسلط باشد، این شمس تقواست» (مطهری، ۱۳۶۷: ۶).



البته تقوا با قرار گرفتن در متن اجتماع و تمرین برای ترک گناه حقیقت واقعی خویش را می‌یابد و درون انسانی را صیقل می‌بخشد. چنین تقوایی عاملی مهم در ایجاد آزادی برای پرهیزگاران است.

بنابر آنچه گفته شد تقوا به‌عنوان یک نقطه محوری در تهذیب نفس در مسیر تربیت دینی است از شناخت توحیدی گرفته تا انتخاب ارزش و عمل به آن، حضور دارد و انسان در معرض غفلت را به خودمراقبتی ترغیب و از انحراف از مسیر فطری جلوگیری می‌کند. انسانی که مسلط بر خویش است پس از دست یافتن به تهذیب نفس خویش را وارسته می‌یابد و تعلقات زمینی او را به کمال نمی‌رساند و خود را نیازمند حیاتی به مراتب پاک‌تر، می‌داند و این نیاز چیزی جز نیاز به پروردگار و تقرب به او و الهی شدن و در یک مفهوم دستیابی به حیات طیبه نیست که هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی است. بنابراین تربیت دینی، در مسیر خویش رسیدن به حیات طیبه را طلب خواهد کرد و مقصود از حیات طیبه در اصطلاح اسلامی، نوعی زندگی است که انسان در ارتباط با خدا به آن دست می‌یابد و با دست یافتن به آن، در همه ابعاد وجودی خود از پلیدی برکنار خواهد بود (باقری، ۱۳۸۹). پس ارتباطی که تقوا با تربیت دینی برقرار می‌کند براساس هدف غایی تربیت دینی یعنی دستیابی به حیات طیبه است که از میان جلوه‌های مطرح شده، در سه عرصه اندیشه، اعتقاد و عمل با ابعاد سه‌گانه تقوا، بُعد معرفتی، دینی و اجتماعی مربوط می‌شود و ابعاد تقوا نیز با ابعاد سه‌گانه تربیت دینی ارتباط می‌یابد و در هر سه جلوه حیات طیبه و ابعاد تربیت دینی، تقوا اساس حرکت خواهد بود. در شرح جلوه‌های حیات پاک باید گفت که یکی از این جلوه‌ها در بعد اندیشه مطرح است. در متون اسلامی از دو نوع اندیشه پاک و پلید سخن به میان آمده است. «آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک را که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است. میوه‌اش را هر زمان به اذن پروردگارش می‌دهد... و مثل سخنی پلید است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد. خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و آخرت با سخن استوار ثابت می‌گرداند» (ابراهیم: ۲۴-۲۷). مقصود از سخن پاک در این آیه، اندیشه صحیح است که از ویژگی ثبات و پایداری برخوردار است و در مثل مانند درختی دانسته شده که ریشه‌ای استوار دارد.

به این ترتیب، یکی از جلوه‌های زندگی پاک آن است که فرد در عرصه اندیشه تصورات



موهوم و شرک‌آمیز را کنار زده و موجبات بیداری فطرت ربوبی خود را فراهم سازد. برای تحقق جلوه‌ اندیشه، نیاز به شناخت توحیدی است تا بر اثر شناخت عالمانه توحیدی به اندیشه پاک مطرح شده در آیه قرآن کریم دست یافته شود، اما برای در امان ماندن شناخت از ضلالت، تقوا اساس و محور را تشکیل خواهد داد که از بعد معرفتی وارد خواهد شد و مسیر واقعی اندیشه پاک را نشان می‌دهد.

جلوه دیگر حیات پاک، اعتقاد پاک است که در اثر اندیشه پاک ایجاد و حاصل آن عمل به اعتقادات و باورهای قلبی است. مسلماً عمل آگاهانه‌ای را که با نیت پاک همراه است، می‌توان عمل صالح نامید. در این جلوه نیز، تقوا، محور اساسی و روشن‌کننده مسیر خواهد بود و از بُعد دینی وارد می‌شود و نیز به بعد انتخاب ارزش، که در تربیت دینی مطرح است، مربوط می‌شود. یکی از جلوه‌گاه‌های دیگر حیات طیبه، عرصه اعمال و رفتارها، اعم از فردی و جمعی است. اعمال آدمی به پاک و پلید تقسیم می‌شود. عرصه جمعی اعمال نیز از این نظر که بخش مهمی از حیات پاک را تأمین می‌کند، در اسلام مورد توجه قرار گرفته است. فقر و فحشا و تعدی یا خشم، سه جلوه بارز اعمال پلید جمعی است. در مقابل، غنا و عفت و عدالت یا رأفت به منزله جلوه بارز اعمال پاک جمعی آدمی است (باقری، ۱۳۸۹). در این عرصه نیز تقوا از بُعد اجتماعی وارد می‌شود و در دو شأن، یکی اقتصادی که محورش رسیدن به عدالت اقتصادی است و دیگری شأن اجتماعی که برقرارکننده فضل و روابط بین فردی است راهنمای مسیر خواهد بود و از این نظر نیز با بُعد رفتاری تقوا نیز مربوط می‌شود.

آثار تربیتی تقوا: پس از بیان آثار دنیوی و اخروی تقوا پرداختن به آثار خاص تقوا

در تربیت فرد می‌تواند ضلع سوم آثار تقوا را تکمیل نماید. این آثار عبارت‌اند از:

بینایی و شکوفایی عقل: در تربیت اسلامی، شکوفایی و پرورش عقل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا عقل در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است تا به وسیله آن، مصالح و مفاسد، خیرات و شرور، عوامل سعادت و شقاوت و بالاخره «بایدها» و «نبایدها» را به خوبی بشناسد و تمیز دهد. بدین ترتیب، رسالت مهمی بر دوش عقل نهاده شده است و توانایی انجام آن را هم دارد. از سوی دیگر، اموری به‌عنوان دشمنان و مخالفان عقل برشمرده می‌شوند و همیشه با عقل در حال جنگ و ستیزند. دشمنان می‌کوشند نور عقل را خاموش و او را از رهبری معزول نمایند و کشور تن را در انحصار خویش آورند. با توجه

به روایات، امور مذبور عبارت‌اند از:

(الف) شهوت پرستی: حضرت علی (ع) فرمودند: «العقل و الشهوه ضدان...؛ عقل و شهوت ضد یکدیگرند» (خوانساری، ج ۱: ۹۶). «من لم یملک شهوتی لم علیک عقله. هر کس مالک شهوت خویش نباشد، مالک عقلش نیز نخواهد بود» (همان، ج ۵: ۴۱۶). «لا عقل مع الشهوه. عقل با شهوت جمع نمی‌شود» (همان، ج ۶، ص ۳۶۱).

(ب) غضب: امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: غضب، عقول را به فساد می‌کشاند و انسان را از حقیقت دور می‌گرداند» (همان، ج ۱: ۳۵۷).

(ج) کبر: حضرت فرمودند: «بدترین آفت‌های عقل، گردن‌فرازی است» (همان، ج ۴: ۱۷۸).

(د) طمع: «بیشتر زمین خوردن‌های عقل، زمانی است که برق طمع می‌کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۹).

(ه) عجب: «خودپسندی انسان، یکی از اموری است که به عقل وی حسادت و دشمنی می‌ورزد» (همان، حکمت ۲۱۲).

اموری که بیان شد، دشمنان عقل هستند. اگر اینها از اعتدال خارج شوند، در برابر فرمان عقل فرمان می‌دهند. در این صورت، کسی ندای عقل خود را نمی‌شنود و از درک واقعیات و تشخیص حقایق باز می‌ماند.

تقوا، دشمنان عقل را رام و مهار می‌نماید و نمی‌گذارد در برابرش گرد و غبار به‌وجود آورند و اثر عقل را خنثی کنند. قرآن کریم اثر تربیتی تقوا را در دو آیه بیان فرموده است: آیه نخست: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یوتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نوراً تمشون به؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوا پیشه کنید و به پیامبر اسلام (ص) ایمان بیاورید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (خیر دنیا و آخرت) و برایتان نوری قرار دهد که به وسیله آن حرکت و زندگی نمایید» (حدید: ۲۸). در این آیه شریف، سخن از بصیرتی است که به انسان‌های با تقوا داده می‌شود و آنها در پرتو آن، راه درست را از نادرست به‌خوبی تشخیص می‌دهند. البته این نور و بصیرت درجات و مراتبی دارد: هر چه درجه تقوای انسان بیشتر باشد، نوری که خداوند به او می‌دهد قوی‌تر است. آیه دوم: «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقاناً؛ ای اهل ایمان، اگر تقوای الهی داشته باشید، خداوند به شما فرقان می‌دهد» (انفال: ۲۹). فرقان یعنی چیزی که میان دو شی فرق می‌گذارد، چنان‌که یکی از اسامی قرآن کریم فرقان است زیرا به وسیله آن،





حق از باطل مشخص می‌شود. در این آیه مبارکه، منظور از فرقان این است که خداوند نوری در انسان‌های با تقوا قرار می‌دهد تا به وسیله آن بتوانند، به خوبی، حق را از باطل تشخیص دهند.

موفقیت در مواجهه با مشکلات: از جمله آثار تقوا، رهایی از مشکلات و نجات از سختی‌هاست. «هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند برای او محل خروج (از مشکلات) قرار می‌دهد» (طلاق: ۲۰). «هرکس از خدا پروا دارد، خدا برای او در کارش تسهیلی فراهم می‌سازد» (همان: ۴). حضرت علی (ع) فرمودند: «هرکس تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها از او دور گردند، پس از آنکه نزدیک شده‌اند. تلخی‌ها شیرین و فشار مشکلات و ناراحتی‌ها برطرف خواهند شد و مشکلات پیاپی و خسته‌کننده آسان می‌شود، مجد و بزرگی از دست رفته چون قطرات بارن بر او فرومی‌بارند...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹). در منطق قرآن و معصومان (ع)، تقوا مانند ایمان، آرامش را ارزانی می‌دارد، شخصیت انسان را تحت سیطره قرار می‌دهد و با پیوستن او به قدرت لایزال الهی، زمینه تأمین نیازها و رفع مشکلاتش را فراهم می‌کند.

جلب محبت و ولایت خدا: از آثار تربیتی تقوا این است که پرهیزگار مورد محبت و ولایت الهی قرار می‌گیرد؛ ولایتی که جز بندگان با تقوای خدا کسی به آن دست نمی‌یابد. خداوند متعال فرموده است: «آری؛ هرکس به عهد و پیمان خود با خدا وفا و تقوا پیشه کند، همانا خداوند پروا داران را دوست می‌دارد» (آل عمران: ۷۶). «خداوند یارو و یاور پروا پیشگان است» (جاثیه: ۱۹). هنگامی که انسان زیر چتر محبت الهی قرار گرفت، خداوند آنچه برای تقرب او لازم باشد، فراهم می‌سازد. همچنین در حوادث و جریان‌های ظاهری امدادهای غیبی خویش را به یاری او می‌فرستد، چنان‌که فرموده است: «اگر صبر و مقاومت کنید و پروا پیشه نمایید، پروردگارتان شما را با فرشته‌های مخصوص مدد می‌رساند» (آل عمران: ۱۲۵). انسان به وسیله این نور درونی می‌تواند ایمان را از کفر، هدایت را از گمراهی، فکر درست را از اشتباه و بینش الهی را از بینش شیطانی جدا نماید و حتی در جریان‌های اجتماعی و سیاسی هم از گمراهی نجات یابد (فقیهی، ۱۳۹۰؛ به نقل از رحمنی، ۱۳۹۱).

تسهیل رشد علم و حکمت: از جمله آثار تقوا، آماده شدن دل برای پذیرش حکمت الهی و در نتیجه، وارد شدن حکمت به قلب انسان پرهیزگار است. به جز راه وحی



که ویژه انبیای الهی است، راههایی برای شناخت حقایق برای انسان وجود دارد. نخست، حواس پنج‌گانه (بخشی از علوم)، دوم عقل (معارف)، به‌وسیلهٔ عقل، استدلال‌های عقلی به‌دست می‌آید، مانند اثبات وجود خدا، روح و ...

پاکی دل یا راه اشراق: یکی از راه‌های درک حقایق است، به شرط اینکه انسان روانش را از رذایل نفسانی پاک سازد زیرا هرگاه روان، با تقوا و تزکیه صیقل داده و زنگارهای گناه از آن پاک شود و حجاب‌های شیطانی از دل انسان کنار رود، انوار معارف الهی بر دل می‌تابد و درون انسان نورانی می‌شود (فقیهی، ۱۳۹۰؛ به نقل از رحمنی، ۱۳۹۱). قرآن کریم دربارهٔ این اثر می‌فرماید: «تقوای الهی پیشه کنید تا خداوند به شما علم بیاموزد و خداوند به تمام امور آگاه است» (بقره: ۲۸۲). تقوا نقش مؤثری در افاضهٔ علم از جانب خداوند به انسان دارد.

تسلط بر نفس: از آثار تربیت تقوا، تسلط بر نفس است. تسلط بر نفس برای حفظ انسانیت انسان ضروری به‌نظر می‌رسد. انسان در سیر تکاملی خود دشمنان زیادی دارد: شیطان، نفس اماره، افراد فاسد، همه دشمنان معنوی انسان هستند، و اگر مهار نشوند، همچون سیل بنیان‌کنی می‌مانند که هیچ‌کس از آسیب آن در امان نخواهد بود. حضرت علی (ع) فرموده است: «نفس‌های سرکش را مهار کنید که لجام‌گسیخته و خود سرزند. اگر از آنها پیروی نمایید، شما را به بدترین پرتگاه می‌افکنند» (خوانساری، ۱۳۶، ج ۲: ۲۶۳). چیزی که بشر را بر نفس اماره مسلط می‌کند، ایمان و تقواست. علم، انسان را بر طبیعت مسلط می‌کند و ایمان و تقوا، وی را بر نفس چیره می‌سازد.

زندگی توأم با امنیت: برخورداری از قدرت معنوی، یکی دیگر از آثار تربیتی تقواست. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «هر کس تقوای الهی داشته باشد، با نیرومندی و قدرت زندگی می‌کند و در سرزمین دشمن خود، با امنیت خاطر سیر و حرکت می‌نماید» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۶۷: ۲۸۳). امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند: «کسی که تقوای الهی پیشه سازد، عزت و قوت می‌یابد» (ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۶۲۲).

تقوای ضعف و قوت (مثبت و منفی): ما دو نوع تقوی داریم، تقوایی که ضعف است و تقوایی که قوت است. در نوع اول انسان برای دور نگه‌داشتن خود از آلودگی‌های معاصی، از موجبات آنها فرار می‌کند، و خود را همیشه از محیط گناه دور نگه می‌دارد. نوع دوم این است که در روح خود قوتی به وجود می‌آورد که به او مصونیت روحی و

اخلاقی می‌دهد، که اگر به فرض در محیطی قرار بگیرد که وسایل و موجبات گناه و معصیت فراهم باشد، آن حالت و ملکه روحی او را حفظ می‌کند و مانع آلودگی او می‌شود. در زمان ما مردم بر تقوای ضعیف تاکید دارند (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۰). در حالی که در نهج‌البلاغه و کلام حضرت علی (ع) تقوای قوت مطرح است، یعنی ملکه مقدس که در روح پیدا می‌شود و نفس اماره را مطیع می‌سازد. امام می‌فرماید: «ان تقوی الله حمت اولیاء اله محارسه والزمتم قلوبهم مخافته؛ تقوا دوستان خدا را در حاجت خود قرار داده است» (نهج‌البلاغه، خطبه: ۱۱۲). حضرت با صراحت کامل تقوا را به معنای آن حالت معنوی ذکر کرده که نگهبان از گناه است. تقوا با آن درجه اهمیت دو اثر دارد: الف) ایجاد روشن‌بینی و بصیرت، ب) پدیدآوردن نیروی پیروزی بر شدائد (مطهری، ۱۳۷۵: ۵۹).

تقوا و روشن‌بینی: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «واتقوا الله و یعلمکم الله؛

تقوای الهی داشته باشید، خداوند به شما می‌آموزد، و تعلیم می‌دهد» (بقره: ۲۷). تقوا در اینکه انسان مورد موهبت افاضه علم الهی قرار گیرد تأثیر دارد. تقوا از نوع سوم دوستان است که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وعدو عدوک» ملکه تقوا که آمد دشمن عقل را که هوی و هوس است مهار می‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «فمن اخذ بالتقوی غربت عنه الشدائد؛ هر کس که چنگ به این تقوا زند سختی‌ها و شدائد از او دور می‌شوند» (خطبه: ۱۹۶) میبیدی در کشف‌الاسرار می‌گوید: انواع تقوی عبارت‌اند از: تقوی به صبر از گناه، تقوی به شکر نعمت و تقوی به دیدن وحدانیت الهی (بهشتی، ۱۳۷۶: ۱۳۷). حضرت علی (ع) در مورد صبر می‌فرماید: «الصبر ثلاثه... الصبر عن المعصیه» صبر در برابر گناه، در این تقسیم‌بندی، درجه اول تقوی شمرده شده است، صبر در برابر آنچه عنوان گناه بر آن اطلاق می‌شود در جمیع ابعاد زندگی، حاکی از وجود تقوی در شخص است. حضرت صادق (ع) می‌فرماید: «ان اله انعم علی قوم فلم شکر و احضارت علیهم و بالا» یعنی خداوند گروهی را نعمت بخشید ولی سپاسگزاری نکردند و آن نعمت و بال آنها شد (بهشتی، ۱۳۷۶). سپاس و سپاسگزاری در برابر نعمتی که خداوند عنایت کرده است، حالت دوم تقوی است که انسان نعمت را حاصل لیاقت خویش نپندارد و ثمره تلاش خود نبیند بلکه آن را فضل الهی بپندارد و در برابر آن شکرگذاری کند، این حالت حاکی از وجود تقوی در روح و روان آدمی است. نوع سوم مربوط به تقوی در حیطة عرفانی است و آن مربوط به ورع اولیا می‌شود که اجتناب از غیر خداست.

چکیده تقوا، اهل فضائل بودن است

«فالمتمون فیها هم اهل الفضائل. پرهیزکاران در دنیا آنها هستند که صاحب فضیلت‌ها هستند قبل از تعریف فضیلت نظر شارح بحرانی را یادآور می‌شویم. جمله فوق وصف مجمل متقین است. ابن میثم بحرانی در ذیل فراز فوق و در توصیف افراد متقی می‌نویسد: «... الذین استجمعوا الفضائل المتعلقة باصلاح قوتی العلم والعمل. اینها کسانی‌اند که فضائل متعلق به دو قوه علم و عمل را به تمامی دارا هستند» (شرح ابن میثم بحرانی، ج ۳، ص ۴۱۴).

تعریف فضیلت: امام عسکری (ع): «ان للسخاء مقداراً فان زاد علیه فهو سرف و للحرم مقداراً فان زاد علیه فهو جبن و للاقتصاد مقداراً فان زاد علیه فهو بخل و للشجاعه مقداراً فان زاد علیه فهو تهور» (الحديث، ج ۱، ص ۲۰۵).

در تعریف فضیلت، علامه مهدی نراقی چنین می‌نویسد: «مسلماً در برابر هر فضیلتی رذیله‌ای که ضد و مقابل آن آمده است وجود دارد. چون اجناس فضائل چهار تا هستند که عبارت‌اند از حکمت، شجاعت، عفت و عدالت، قهراً اجناس رذایل نیز چهار تا خواهند بود که به ترتیب جهل، جبن، آزمندی یا شر و ظلم می‌باشند. اما کمی که دقیق می‌شویم و درباره فضائل و رذایل با تأمل بیشتر مداخله می‌کنیم مشاهده می‌کنیم که برای هر فضیلتی حد معینی هست و تجاوز از آن حد، به سوی افراط یا به طرف تفریط، به رذیلت منتهی می‌شود و لذا فضائل در واقع به منزله حد وسط است و رذایل به منزله «اطراف و طرفین» آن است. خوب مسلماً حد وسط یکی بیشتر نیست و تعددپذیر نیست، اما اطراف که همان رذایل‌اند می‌توانند بیشمار باشند. فضیلت به منزله مرکز دایره است که یکی بیشتر نیست و رذایل به منزله نقاط دیگر دایره از مرکز تا محیط است. به این ترتیب فضیلت یکی است و در مقابل هر فضیلتی رذایل نامتناهی وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر از جانب رذایل حرکت کنیم و بخواهیم از آنها دوری کنیم، دوری از رذیله‌ای که در نهایت رذایل قرار دارد و به اصطلاح مرتبه کم و نازل رذایل به حساب می‌آید، فضیلت محسوب می‌شود. و لذا به مجرد انحراف از فضیلت باشد در وادی رذایل سقوط می‌کنیم» (نراقی، ج ۲، ص ۱۰۵).

ارائه الگوی تربیتی تبیین ارزشی تقوا در سه حیطة دینی، اجتماعی و معرفتی

آیات پنج‌گانه نخست سوره بقره چارچوبی عام برای ارزش تقوا ترسیم می‌کند و ابعاد اصلی این ارزش را این‌گونه معلوم می‌دارد: بُعد دینی که محور آن ایمان به غیب





و وحدت رسالت و ایمان به آخرت و برپایی نماز است؛ بُعد اجتماعی که محورش در دو شأن اقتصادی و شأن فضل و تنظیم روابط بین فردی و دست یافتن به عدالت است؛ بُعد معرفتی که محورش آگاهی از مسیرهدایت است و نیز می‌توان دارندگان پنج صفت مهم یعنی ایمان به غیب و برپاکنندگان نماز و پذیرندگان رسالت و ایمان آوردندگان به آخرت را پرهیزگاران شمرده‌اند که در راه خدا از آنچه خدا به آنان روزی داده انفاق می‌کنند و بر طریق هدایت الهی هستند؛ هدایتی اول به واسطه سلامت فطرت و دوم از ناحیه قرآن که فرع بر هدایت اول است و به واسطه تقوا کسب شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۶۹). آن‌گونه که از شرح آیات برمی‌آید آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...» و آیه «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» بُعد دینی تقوا را مطرح می‌کنند و ادامه آیه «وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» بعد اقتصادی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد و نیز آیه «وَأُولَئِكَ عَلَى هَدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمفلِحُونَ» بُعد معرفتی تقوا را شرح می‌دهد. بُعد دینی تقوا مربوط به صفات پنج‌گانه متقین است که شامل ایمان به خدا، غیب، آخرت، فرستادگان الهی و برپایی نماز است. محور اصلی بعد اجتماعی تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی است. عدالت علت اصلی فرستادن پیامبران است. «به‌راستی (ما) پیامبران خود را به دلایل آشکار روانه کردیم و به آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است» (حدید: ۲۸). اهمیت محور عدالت در آن است که ارزش تقوا را در وضعیت حیاتی محسوس مجسم می‌کند، و از این رهگذر هدف نخست فلسفه تربیت اسلامی، یعنی بقاع نوع بشر محقق می‌شود، مقوله‌ای که انسان را در پیمودن راه برای تحقق هدف دوم یعنی تعالی نوع بشر که نمود آیینی عبادت خداوند و شکر او را محقق می‌سازد، یاری می‌دهد (عرسان کیلانی، ۱۳۸۹؛ به نقل از داودی وحسینی زاده، ۱۳۸۹). غفلت از محور ارزش عدالت اجتماعی - اقتصادی، پیامدهای خطرناکی دارد که برخی از آنها فتنه در دین است. از این‌رو معیاری که قرآن کریم برای برتری افراد بشر بر یکدیگر در ارزش تقوا عنوان می‌کند این آیه است: «...إِنْ كَرِهْتُمْ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْكُمْ وَرَبُّكُمْ يَعْلَمُ خَيْرًا مِنْكُمْ» (حجرات: ۱۳). هنگامی که عدالت اجتماعی - اقتصادی نزد خدا پرهیزگارترین شماسست» (حجرات: ۱۳). هنگامی که عدالت اجتماعی - اقتصادی تحقق یابد، وجود مؤثر امت اسلامی آغاز می‌شود، و هنگامی که امت دایره ارزش تقوا را



گسترش دهد تا همهٔ انسانیت و همهٔ حوزه‌های زندگی را دربرگیرد، ارزش‌های نیکوکاران نمودار می‌شود (کیلانی، ۱۳۸۹؛ به نقل از داودی و حسینی زاده، ۱۳۸۹). در ارتباط با بُعد معرفتی تقوا در شرح آیهٔ ۵ سورهٔ بقره، تفسیر المیزان این‌گونه آورده است

متقین میان دو هدایت واقع‌اند، همچنان که کفار و منافقین میان دو ضلالت قرار گرفته‌اند و هر سه طبقه از دو خصیصه خود، یعنی اولی را خودشان داشته‌اند و دومی را خداوند به‌عنوان جزا بر اولیشان اضافه کرده برخوردارند و چون هدایت دومی متقین به وسیله قرآن صورت می‌گیرد، معلوم می‌شود هدایت اول قبل از قرآن بوده و علت آن سلامت فطرت بوده است (و اما اینکه چرا بعضی فطرتشان سالم است و بعضی ناسالم، و آیا علت تامهٔ آن وراثت و خوبی و بدی پدر و مادر و شیر و امثال آنهاست و یا علت تامه‌اش خود انسان است در پاسخ می‌گوییم هیچ یک از اینها علت تامه نیست، ولی همه آنها به مقدار اقتضا اثر دارد)

این وجدان همهٔ ماست و اگر فطرت کسی سالم باشد ممکن نیست که به این حقیقت اعتراف نکند که من موجود محتاجم، و احتیاجم به چیزی است که خارج از ذات خودم است و همچنین غیر من تمامی موجودات و آنچه به تصور و وهم یا عقل درآید محتاج به امری هستند خارج از ذاتشان و آن امر و آن چیز، امری است که سلسلهٔ همه حوائج به اومنتهی می‌شود. پس شخص کسی که سلامت فطرت داشته باشد خواه ناخواه ایمان به موجودی غایب از حس خودش دارد؛ موجودی که هستی خودش و هستی همه عالم، مستند به آن موجود است.

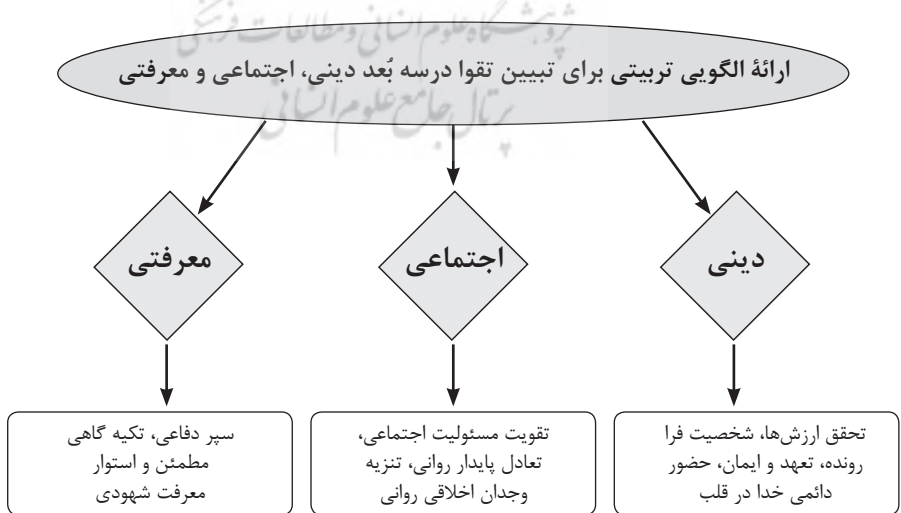
شخص سلیم‌الفطره بعد از آنکه به چنین موجودی غیبی ایمان آورد، فکر می‌کند که این مبدأ که حتی دقیقه‌ای از حوائج موجودات غافل نمی‌ماند و برای هر موجودی آن چنان سرپرستی دارد که گویی غیر از آن دیگر مخلوقی ندارد، چگونه ممکن است از هدایت بندگانش غافل بماند و راه نجات از اعمال مهلک و اخلاق مهلک را به آنان ننماید؟ این سؤال و سؤالات دیگری که از آن زاییده، سر از مسئلهٔ توحید و نبوت و معاد درمی‌آورد، و در نتیجه خود را ملزم می‌داند که در برابر آن مبدأ یکتا خضوع کند چون خالق و رب همه عالم است و نیز خود را ملزم می‌داند که در جست‌وجوی هدایت او برآید و وقتی به هدایت او رسید آنچه در وسع او هست از مال و جاه و علم و فضیلت همه را در راه احیای آن هدایت و نشر آن دین به‌کار بندد و این همان نماز و انفاق است اقامهٔ نماز و زکات و قرآن چون گفتار ما دربارهٔ شخص سلیم‌الفطره‌ای است که اینها را در فطرت خود



می‌یابد و از فطرتش می‌پذیرد. از اینجا معلوم شد که آن پنج صفتی که خدای تعالی زمینه هدایت قرآنی خود قرار داده صفاتی است که فطرت سالم در آدمی ایجاد می‌کند و در آیات مورد بحث به دارندگان چنین فطرتی وعده می‌دهد که به‌زودی به‌وسیله قرآنش ایشان را هدایت می‌کند، البته هدایتی زائد به هدایت فطرتشان. پس اعمال پنج‌گانه نام‌برده متوسط میان دو هدایت‌اند، هدایتی سابق بر آن اعمال، و هدایتی لاحق به آنها و اعتقاد صادق و اعمال صالح میان دو هدایت واسطه‌اند به‌طوری‌که اگر بعد از هدایت فطرت، آن اعتقاد و فرع آن اعمال نباشد، هدایت دومی دست نمی‌دهد. هدایت دومی از ناحیه خدای سبحان و فرع هدایت اولی است، آیات بسیاری در این زمینه وجود دارد که از جمله: «خدا کسانی را که ایمان آوردند به قول ثابت در حیاط دنیا و در آخرت پابرجا می‌کند و خلاصه آن چنانشان را آن چنان‌تر می‌سازد» (ابراهیم: ۲۸)، (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۷۲). پس معلوم می‌شود به قول معروف چشمه باید از خودش آب داشته باشد، تا با لای‌روبی زیادتر شود.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ، يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ، وَيَجْعَلَ لَكُم مِّنْ وَرَثَتِكُمْ مِمَّنْ دُونِكُمْ مِمَّنْ آمَنَ بِآيَاتِنَا» (انعام: ۱۲۵). بنابراین بعد معرفتی تقوا، دو هدایت را شامل حال متقین می‌داند: هدایت ناشی از فطرت و هدایتی که در اثر وجود تقوا حاصل می‌شود.

ارائه الگویی تربیتی برای تبیین تقوا در سه بُعد دینی، اجتماعی و معرفتی



راهکارهای رشد و نهادینه‌سازی تقوا در عرصه تعلیم و تربیت

با توجه به اینکه تقوا هدفی واسطه‌ای در نظام تربیتی است، جای دارد مسئولین تعلیم و تربیت، در امر آموزش و پرورش در این جهت تدبیر کنند و این حیطة تربیتی را به‌عنوان محتوا و مایه اصلی مباحث پرورش قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود مسئولان امر تعلیم و تربیت ویژگی‌های انسان مطلوب مکتب اسلام را به‌عنوان ملاک‌ها و معیارهای تربیتی خویش محسوب در برنامه‌های تعلیم و تربیتی خویش آنها را لحاظ کنند.

نتیجه‌گیری

ارزش‌های تعیین‌کننده شیوه عملکرد، مسیر فعالیت‌ها و چگونگی اولویت‌بندی اهداف در نظام‌های فرهنگی، آموزشی، خانوادگی، سیاسی و مذهبی هر جامعه‌ای وجود دارند. تقوا به مفهوم مراقبت دائمی از خود و اطاعت از فرامین الهی است ثمره تقوا «فرقان» و «نور» است که با کمک آن فرد می‌تواند حق را از باطل جدا سازد، جاده و مسیر را به روشنی و وضوح ببیند و در طریق حق گام بردارد. نتیجه این شد که در وجود انسان قوای گوناگون در چالش با یکدیگر به سر می‌برند. بین قوای نفسانی (هوای نفس و وساوس شیطانی) با قوای عقلانی مخالفت و درگیری وجود دارد. درواقع هوای نفس دشمن عقل محسوب می‌شود و از آنجاکه تقوا دشمن اصلی هوای نفس است، مانع از آن می‌شود تا خواسته‌های نامشروع و وسوسه‌های شیطانی همچون گرد و غبار، دود یا پرده‌ای جلوی نور چراغ عقل را بگیرد و با کنار زدن و مقابله با آنها چراغ عقل را همچنان روشن نگه می‌دارد، در نتیجه انسان راه را از چاه تشخیص می‌دهد و حقایق امور را به‌درستی درک می‌کند. سبک زندگی هر انسان از موضوعات مهم هر مکتب به‌شمار می‌رود و مکتب اسلام نیز عنایت ویژه‌ای به این موضوع دارد. تقوا یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در سبک زندگی انسان‌ها است که در آیات و روایات، بسیار بر آن تأکید شده است. پرهیز از محرّمات که در زبان دین از آن به تقوا تعبیر شده است، مهم‌ترین وسیله در سیر و سلوک معنوی و تقرب به حضرت دوست است. بدون تقوا رسیدن به هیچ مقامی امکان ندارد زیرا تا زمانی که نفس آلوده به چرک محرّمات و گناهان است و مادامی که تابع هوس‌ها و لذت‌های نفسانی است و شیرینی آن در کام اوست، اولین مقام کمالات معنوی برای او رخ نداده است و به حیات طیبه‌ای که هدف آفرینش شمرده می‌شود دست





نمی‌باید (حسنی، ۱۳۸۴). تقوا و پرهیز از محارم الهی از اهمیت والایی برخوردار است و آثار و برکات فراوانی در زندگی دنیوی و مقامات اخروی شخص متقی دارد، همچنین با توجه به آیات قرآن کریم، روایات ائمه (ع)، دیدگاه‌های نظری و همچنین تحقیقات مرتبط با نقش ایمان به خدا، داشتن تقوا و به کاربردن آن در سبک زندگی، اعتقادات مذهبی و انجام فرایض دینی، می‌توان به این نتیجه رسید که تقوا و ایمان به خدا نقش بسیاری در آرامش افراد، داشتن یک اجتماع سالم و کاهش اضطراب دارد. تقوا یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی است، تأثیر فراوانی در اخلاق فردی و اجتماعی انسان خواهد داشت. در نتیجه در عصر حاضر با توجه به تهدیدهای رو به فزون برای جامعه اسلامی تقوا به‌عنوان یک ابزار در هم‌شکننده تهدیدها باید در سبک زندگی مسلمانان نهادینه شود.

منابع

- قرآن مجید
- نهج البلاغه
- کاظمی، سروش و بهروز مهram (۱۳۹۲). «بررسی کارکرد مدیریت آموزشی به‌عنوان یک جزء از برنامه درسی پنهان به‌منظور آموزش ارزش‌ها»، مجله مطالعات برنامه درسی، ش ۵.
- الوانی، سیدمهدی، غلامرضا معمارزاده طهران و حسین کاظمی (۱۳۹۲). «تبیین مؤلفه‌های رهبر معنوی با استفاده از سیستم‌های عصبی فازی انطباق‌پذیر»، مجله مدیریت فرهنگ سازمانی، ش ۲۹.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات مدرسه.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۷). *مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۹). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت*، ج ۵، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهشتی، محمود (۱۳۷۶). *سیر و سلوک*، چاپ اول، تهران: انتشارات زمانی.
- حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۰). «نقش تربیت دینی و عملی در کمال‌یابی انسان»، فصلنامه پژوهشنامه قرآنی، ش ۲.
- حسنی، شعبان‌علی (۱۳۸۴). «آثار و پیامدهای تربیتی تقوا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه الصطفی.
- حسینی، سیدابوذر (۱۳۹۲). «روش‌های تأمین بهداشت روان فردی از دیدگاه قرآن و احادیث»، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- حقیقت، شهربانو و محمد مزیدی (۱۳۸۷). «بررسی و ارزیابی زمینه فلسفی و روش‌های آموزشی چهار رویکرد تربیت اخلاقی معاصر»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). *تحریر الوسیله*، نجف: مطبعه الآداب.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰). *شرح غررالحکم و دررالکلم*، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- داودی، محمد و سیدعلی حسینی‌زاده (۱۳۸۹). *سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



- ربانی، علی (۱۳۸۷). «کنکاشی در عناصر شهر اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.
- رحمنی، فرشته (۱۳۹۱). «آثار تربیتی، روحی و روانی نماز»، فصلنامه بهروز، سال دوازدهم، ش ۱ (پیاپی ۴۶).
- رستمی‌نسب، عباسعلی (۱۳۸۸). «بررسی گستره معرفت‌شناسی انسان از دیدگاه فلاسفه مکتب ایدئالیسم و استلزامات تربیتی آن»، نشریه پژوهش‌های اسلامی، ش ۳۶.
- سام آرام، عزت‌الله، جعفر هزار جریبی، محمد مهدی فداکار، محمدتقی کرمی و محمد مهدی شمسایی (۱۳۹۲). «سلامت معنوی؛ چارچوب، محدوده و مؤلفه‌های مبتنی بر آموزه های اسلام». فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۴.
- شرح ابن میثم بحرانی، ج ۳، فراز اول، ص ۴۱۴
- شریفی، عنایت‌الله و مهرعلی لطفی (۱۳۹۲). «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۱۴.
- شمالی، محمدعلی و قدرت‌الله مؤمنی (۱۳۹۲). «بررسی تئوری‌های اخلاقی پایه و اصول اخلاق پزشکی»، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، ش ۲۵۸.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). تفسیر المیزان، ج ۹، الطبعه الخامسة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عبداللهی عابد، صمد و فاطمه وجدی (۱۳۹۲). «بررسی جنگ نرم در آیات قرآن»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۱۵.
- غرویان، محسن (۱۳۷۹). فلسفه اخلاق، چاپ دوم، قم: نشر بیک جلال.
- فتحی، زهرا (۱۳۹۲). «آزاداندیشی در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۹.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کاظمی، سروش و بهروز مهram (۱۳۹۲). «بررسی کارکرد مدیریت آموزشی به‌عنوان یک جزء از برنامه درسی پنهان به‌منظور آموزش ارزش‌ها»، مجله مطالعات برنامه درسی، ۳۵: ۱۷-۵، ۴۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۴۳). اصول کافی، ترجمه صادق حسن‌زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۶). بحار الانوار، تهران: انتشارات مکتبه‌الانسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه، قم: انتشارات درالحدیث.
- مصباحی مقدم، غلامرضا، مهدی رعایایی و مهدی همتیان (۱۳۹۲). «مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). ده گفتار، چاپ یازدهم، قم: انتشارات صدرا.
- موحدی‌نیا، عطاء‌الله و سیدرضا موسوی (۱۳۹۰). «مطالعه رابطه بین انجام فریضه نماز و سلامت عمومی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کرمان»، روان‌شناسی و دین، سال چهارم.
- موسوی، ستاره و محمدجواد لیاقتدار (۱۳۹۱). «تبیین مبانی و شاخص‌های شهر اسلامی»، تهران: سومین کنگره پیشگامان پیشرفت.
- نصیری، عزت‌اله و نجمه حسینی (۱۳۹۲). «ارزش‌های اخلاقی مؤثر در سلامت سازمان از منظر کلام معصومان (ع)»، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۷.
- نراقی، علامه. جامع السعادت، ج ۲.